

## طبقه‌بندی جامعه از نظر علم و آگاهی



از آن داشته باشند، بنابراین ناگزیر به سخن دیگران گوش فرامی‌دهند و از دیگران تبعیت می‌کنند، اینجاست که سودجویان و شیاطین با فرصت‌طلبی، فضای زندگی آنان را جولانگاه خود می‌سازند. این قشر:

(الف) بیش از آن که به منطق کلام توجه کنند، تحت تأثیر جوسازی‌ها قرار می‌گیرند.

(ب) همراه با جریان حاکم بر جامعه حرکت می‌کنند.

(ج) معمولاً زحمت پیگیری و تحقیق و مطالعه و کشف حقایق را به خود نمی‌دهند.

(د) از آنجا که حقیقت امر به راحتی بر آنان مشتبه می‌شود، روحیه‌ای ناپایدار دارند و نمی‌توانند بر محوری استوار و ثابت چنگ بزنند و ذهن خود را فارغ از قال و قبل‌ها متوجه حقیقت سازند.

(ب) عالمان بی‌عمل؛ اینان گروهی هستند که تنها علم آموخته‌اند و از آن هیچ بهره‌ای نمی‌برند، قرآن درباره آنها می‌فرماید: کسانی که مکلف به تورات شدند و حق آن را ادا نکردند، مانند دراز گوش‌ها هستند که کتاب‌هایی حمل می‌کنند.

۲- **طالبان دانش:** این گروه در پرتو کوشش خود سرانجام به رستگاری خواهند رسید و از مشکلات جهل و گمراهی و آلت دست دیگران قرار گرفتن، نجات می‌یابند. چنان که رسول خدا (ص) می‌فرماید: هر کس برای تحصیل دانش به راهی رود خدا راهی به سوی بهشت بر او می‌گشاید.

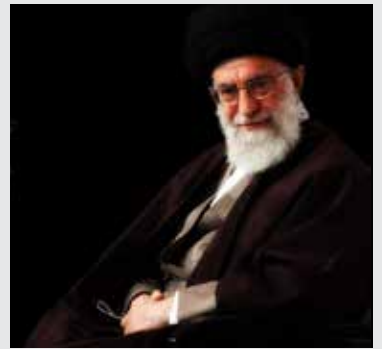
۳- **نادانان بی‌اراده:** این قشر به سبب نداشتن آگاهی لازم در مسائل دینی و حوادث اجتماعی، نمی‌توانند تحلیل و تفسیر صحیحی

«لَتَأْسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَيَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَيَّ سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ رَعَاغٌ، أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ، يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجِئُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ.» نهج البلاغه حکمت ۱۳۹

مردم سه دسته‌اند: دانای خداشناس، آموزنده‌ای که در راه رستگاری کوشا است و نادانان بی‌اراده‌ای که در پی هر صدایی می‌دوند و با هر بادی به‌سوی خیزند. نه از روشنی دانش فروغی یافتند و نه به پناهگاه استواری، پناه بردند.

### نکته‌ها و پیام‌ها

۱- **گروه دانشمندان:** (الف) عالمان عامل و آنان کسانی هستند که خدا را به خوبی می‌شناسند و به احکام دین آگاهند و بدانچه می‌دانند عمل می‌کنند.



شرح احادیث اخلاقی درس خارج فقه مقام معظم رهبری

### خوشرویی

پیامبر (ص) فرمودند: ابلغونی حاجه من لا یستطیع ابلاغی حاجته، فانه من ابلغ سلطانا حاجه من لا یستطیع ابلاغها ثبت الله قدمیه علی الصراط یوم القیامه.

(تحف العقول صفحه ۴۷)

مراد از سلطان در روایات، شخص صاحب قدرت است. یعنی هر کس که در حوزه ای، مسئول کاری است و در حد خود قدرتی دارد، مثل رئیس یک اداره یا قاضی یک دادگاه یا مسئول یک نهاد و غیره. به هر حال یک فرد صاحب قدرت در هر مرتبه ای که باشد، همه افرادی که حاجت و کاری با او دارند، دستشان به وی نمی‌رسد و هر کس که می‌تواند حوائج و مطالب مردم را به آن مسئول برساند، پیامبر (ص) چنین ثواب بزرگی را به او وعده داده است.

### هزارویک کلمه

### کفاره غیبت

از امام صادق (ع) نقل است: پیامبر (ص) را پرسیدند، کفاره غیبت چیست؟ فرمود: هر گاه به یاد شخصی که غیبتش کرده‌است، بیفتد، برای او از خداوند طلب غفران کند.

## رونوشت برابر اصل

## مفاهیم دینی

که خداوند به فرشتگان و حافظان اعمال دستور داده که اعمال مردم را حفظ کنند همانند کتاب خطی که به وسیله خط یا چاپ، نسخه برداری و تکثیر می‌شود، بی‌آنکه تغییری در نسخه‌ها پدید آید. حضرت علی (ع) می‌فرماید: خداوند فرشتگانی دارد که هر روز از آسمان فرود می‌آیند و اعمال بنی‌آدم را می‌نویسند. فرشتگانی که نه تاریکی مانع نوشتن آنها می‌شود و نه عاملی اعمال بشر را از آنان مخفی می‌دارد؛ از چیزی فروگذار نیستند حتی نفس‌هایی که هنگام معصیت می‌کشیدند نیز، به طور دقیق ثبت می‌کنند. در حدی که مجرمان با دیدن نامه‌اعمال خود فریاد برمی‌آورند: ای وای بر ما این چه نوشته‌ای است که هیچ کار کوچک و بزرگی نیست مگر اینکه آن را ثبت کرده‌است.

داشته‌اند و هر چه از شما فاش می‌سازند، دقیق و مطابق واقع است، همانند برابری رونوشت با اصل سند.

### استنساخ نامه اعمال

«استنساخ» از ماده نسخ به معنای زایل کردن چیزی به وسیله چیز دیگر است؛ هنگام از میان رفتن سایه توسط خورشید می‌گویند: «سَخَتِ الشَّمْسُ الظِّلَّ» یعنی خورشید سایه را از میان برد. سپس به معنای نسخه‌برداری و رونوشت کتابی از روی کتاب دیگر به کار رفته است، بی‌آنکه کتاب اول از بین برود. عمل انسان، ثابت و در بستر هستی و لوح محفوظ است و فرشتگان از روی آن رونوشت می‌کنند، رونوشتی که موافق اصل اعمال مردم است نه زیادتی در آن است نه کاستی. چرا

«هَذَا كِتَابُنَا يَنْطَلِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ أَنْ أَكْتَأَنَّ نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» سوره جاثیه- ۲۹

این نوشته ماست که به حق سخن می‌گوید، زیرا کارهایی که می‌کردید، می‌نوشتیم.

روز قیامت انسان در دادگاه عدل الهی با پدیده‌های غیرعادی و در عین حال اطمینان‌بخش مورد بازخواست قرار می‌گیرد؛ همانند شهادت اعضا و جوارح، تجسم اعمال و... در مرحله‌ای هم خداوند به وسیله نامه‌اعمال میان مردم داوری می‌کند و خطاب به آنان می‌فرماید که این است نامه اعمال شما که محتوایش حق و ثابت است و بطلان و فساد و دروغ و افترا در آن راهی ندارد و ما با چنین سند گویا و معتبر با شما احتجاج می‌کنیم. آنها اعمال شما را با امانت کامل نگه